

شکست تحصیلی

بارز ترین عارضه دوستی و ارتباط

•HovQ » •HoTij

مقدمه

شیوع دوستی ها و تعلقات خاطر خارج از چهار چوب اخلاق، و بیرون از مدار آگاهی والدین در بیرون از مدار آگاهی والدین در بین نوجوانان به علت سرانجامی ناخوشایند، حرمت شکن، فرساینده و تاسف بار، نگرانی هایی را برای خانواده ها و جامعه ی رو به توسعه ما به ارمغان آورده و نیز موجبات استرس، تنیدگی، سردرگمی و ناتوانی در بهره گیری از فرصت های سرنوشت ساز زندگی (بخصوص کسب تجارب موفق تحصیلی) را برای نوجوانان (دختر .. پسر) فراهم کرده است. با وجود این مشاهدات و مصاحبه های حضوری و مکاتبات دانش آموزان با واحدهای مشاوره ای مدارس، حاکی از این مطلب است که گرایش و دلبستگی های عاطفی به جنس مخالف برای نوجوانان در بین همسالانشان یک ارزش و هنجار اجتماعی تلقی میگردد. به طوری که در مرحله اولیه آنها تمایلی برای پذیرفتن تبعات آسیب زا و عواقب ناپسند اتخاذ چنین تصمیمی و انتخاب رفتار مربوط به آن را از خود نشان نمیدهند و فقط با گذشت زمان است که متوجه می شوند تا چه حد ساده اندیشی کرده و متضرر شده اند و چگونه باید با تحمل اضطراب و بار سنگین ندامت و پشیمانی قادر به جبران ماه ها و حتی سالهای حیاتی و گرانقدر از دست رفته باشند. در این نوشتار به بررسی جوانب مختلف این معضل می پردازیم.

عواطف رشد نیافته و تاثیر آن در یادگیری:

پیدایی عشق های افلاطونی ناشی از عواطف رشد نیافته (نارس) تجارب محدود و شناخت های سطحی که از آن به عنوان «عشق پاک» تعبیر میکنند، چنان ابتکار عمل و قدرت تفکر دختران و پسران را متاثر میسازد که از حضور و درگیری فعالانه در فرایند یادگیری محروم میمانند؛ به طوری که این محرومیت آمادگی آنها را برای یادگیری های جدید کاهش میدهد.

بر اساس دیدگاههای روان شناختی حافظه دراز مدت مخزن دائمی اطلاعات است که انباشته از طرحواره ها و ساختههای شناختی در ارتباط با انواع دانش بشری است. محتوای این ساخت های شناختی را دانسته های قبلی و دانش پایه ای افراد تشکیل میدهد که به طور رسمی از سالهای اولیه یادگیری های آموزشگاهی شکل گرفته اند. محتوا و سازمان طرحواره ها هم در میان افراد مختلف هم برای یک نفر در طول زمان تغییر میکند. میزان درک دانش آموزان از موضوعات درسی تا حد زیادی به آموخته های قبلی ایشان بستگی دارد. ادراک، زمانی محقق میشود که محرک برای دانش آموزان معنا پیدا کند. این معناداری به دنبال تعامل اطلاعات جدید با اطلاعات قبلی دانش آموزان حاصل می شود.

بنابراین هر قدر محتوای ساختههای شناختی افراد غنی تر باشد یعنی دانسته های قبلی ایشان بیشتر و انجام میپذیرد و معنا داری با کیفیت بالایی ممکن میگردد. پس دانش و اطلاعات جدید زمانی خیلی ساده آموخته میشود که با ساختارهای با ثبات شناختی که یادگیرنده از پیش در ذهن خود دارد، ارتباط پیدا کند.

خلاصه این یادگیری بدون ادراک محقق نمیشود. هیچ درکی بوجود نمی آید مگر اینکه اطلاعات دریافتی معنا پیدا کند و در این زمینه دانش و آموخته های قبلی فرد کلمه ی کلیدی معنا داری است و پایه ی یادگیری های جدید او را تشکیل می دهد.

با توجه به ماهیت و مکانیسم یادگیری هر فراگیری می بایست به طور مستمر در جهت هر چه غنی تر ساختن دانش پایه ای خود در مورد تمامی دروس و تحقق یادگیری های معنادار تلاش کند و مسلم است که این امر تنها با داشتن هدفمندی بالا شفاف و نیز فکری فعال و تمرکزی قابل توجه ممکن میشود. در این مسیر به نظر میرسد یکی از عوامل مختل کننده ی حواس دانش آموزان نوجوان، گرایش های عاطفی آنها به جنس مخالف باشد. پس شایسته و بایسته است که هر نوجوانی به طور عاقلانه و منطقی در مورد تبعات آسیب زای وابستگی های عاطفی و تعلقات خاطر به غیر همجنس در این سالهای حساس و سرنوشت ساز زندگی خود تعمق و تأمل کند و ساده اندیشانه فرصت های طلایی و حیاتی این دوره فعال و سرشار از انرژی را هدر ندهد، زیرا جبران آن بسیار مشکل و گاه امکان ناپذیر است. تجربه نشان داده است که درگیر شدن نوجوان در این مسئله و دامن زدن او به این عواطف احساسات فلج کننده تمام جوانب زندگی وی را تحت شعاع خود قرار میدهد انرژی زیادی از او میگیرد و افکار و توانمندی هایش را چنان متاثر میسازد که او دیگر قادر نیست به تحلیل و پردازش مسائلی بپردازد که از اولویت و اهمیت بالاتری برخوردارند. یعنی به جرئت میتوان گفت که در چنین مواقعی نوجوان به گونه ای دچار رکود ذهنی میشود که حتی به دنبال ۵ تا ۱۰ دقیقه مکالمه ی تلفنی یا حضوری با جنس مخالف بقیه ساعات ارزشمند روزانه خود را برای پردازش و مرور و تکرار جملات و کلماتی که در آن مدت کوتاه ادا شده است اختصاص میدهد و این همان قفل شدن ذهن و تمرکز افکار و حواس بر موضوع خاصی است که مقطعی و زودگذر است و بر پایه عقلی و اخلاقی استوار نیست.

عدم توانایی نوجوان در پرداختن به مسائل اساسی و حیاتی، برای کسب تجارب موفق تحصیلی، اجتماعی و ... قدرت عمل وی را در رقم زدن آینده ی تحصیلی - شغلی درخشان و درخور شایستگی ها و توانمندی های ذاتی اش محدود می کند.

بنابراین به دنبال چند دوره (ترم تحصیلی) درگیری در این مسائل محتوا و سازمان یافتگی ساختهای شناختی نوجوان در ارتباط با انواع موضوعات درسی تحلیل میرود و وی آمادگی لازم برای یادگیری مطالب جدید را از دست میدهد. به طوری که به مرور زمان دچار افت و شکست تحصیلی شده از کسب تجربه ی موفق در تحصیل عاجز میگردد. عدم توانایی او در یادگیری به علت تلاش و تمرکز ناکافی ضعف دانش پایه ای عدم بهره مندی او از تقویت های کلامی و رفتاری معلم و مدرسه و سرزنش و تحقیر والدین و ... پارامترهای اعتماد به نفس و عزت نفس وی را خدشه دار میسازد و ممکن است اینها سبب شوند که او به سطوح پایینی از رشد اخلاقی و تحصیلی رضایت دهد. زیرا در این شرایط او دیگر نسبت به خود در ذهن ندارد و این زنگ خطری است برای خانواده ها و جامعه رو به توسعه ما که سرمایه های آن یعنی نوجوانانی که انتظار میرود فکر و عملشان در این دنیای متحول و متغیر، آینده ساز این مرز و بوم باشد و به مدارج عالی علمی و اخلاقی دست یابند این چنین زایل گردند.

نتایج تحقیقات و مطالعات نشان دهنده این مسئله است که دامنه ی تاثیر پذیری و آسیب پذیری روابط غیر اخلاقی و کوچه و خیابانی برای نسل نوجوان (بهخصوص دختران) بسیار گسترده است. یعنی اینگونه روابط بیشتر از پسران پایه های زندگی روانی خانوادگی و تحصیلی دختران را منزول میکند.

نتایج تحقیق کوثری با عنوان «بررسی علل رابطه با جنس مخالف در دانش آموزان دوره راهنمایی» نشان داده است که موفقیت تحصیلی دانش آموزانی که با جنس مخالف خود رابطه دارند کمتر از سایر دانش آموزان است.

در پژوهشی دیگر با عنوان «بررسی علل تشدید گرایش و برقراری رابطه با غیر همجنس از دیدگاه دانش آموزان سال سوم و چهارم متوسطه» به این نتایج دست یافتند: الف) حدود ۴۵٪ پاسخ دهندگان دارای رابطه با غیر همجنس بوده اند. ب) مهمترین عوامل تشدید گرایش و ایجاد رابطه با غیر همجنس عبارتند از: عدم پابندی جوانان به مسایل اعتقادی تماشای برنامه های تلویزیونی خارجی و فیلم های ویدئویی، کمبود توجه و عدم محبت توسط خانواده، پوشش تحریک کننده ی افراد جنس مخالف. ج) مکالمه تلفنی و نامه نگاری، متداولترین روش و

مسیر خانه خانه و مدرسه و کوچه و خیابان متداولترین محل برقراری ارتباط با غیر همجنس است. د) بیشتر دانش آموزان از افشا شدن روابطشان با جنس مخالف، به دلیل تنبیه خانواده و احتمال از دست دادن شانس ازدواج مناسب نگران اند.

همچنین یافته های پژوهش انجام شده با عنوان «بررسی تاثیر گرایش های عاطفی به جنس مخالف بر شکست تحصیلی دانش آموزان دختر پایه اول دبیرستان» حاکی از این است که بین میانگین نمرات ۳۰ زوج در دو گروه آزمودنی (۱: گروهی که تحت تاثیر گرایش های عاطفی به جنس مخالف قرار نگرفته اند. ۲: گروهی که بعد از امتحانات خرداد پایه سوم راهنمایی تحت تاثیر این متغیر قرار گرفته اند) همتراز از نظر هوشبهر و کنترل شده در ارتباط با سایر متغیر های تاثیر گذار بر متغیر وابسته که بر اساس روش آماری $T-TEST$ (البته T همبسته هست) س محاسبه گردیده است به لحاظ آماری تفاوت معنا داری وجود دارد. شایسته ی ذکر است که بین دو گروه نمونه ی فوق قبل از تاثیر متغیر مستقل (پایه ی سوم راهنمایی) تفاوت معناداری وجود نداشت. لکن بعد از تاثیر متغیر مستقل (پایه اول دبیرستان) بین میانگین گروه های آزمودنی تفاوت بوجود آمده است که نشان دهنده ی «تاثیر گرایش های عاطفی به جنس مخالف» بر شکست تحصیلی دانش آموزان و تایید فرضیه تحقیق است.

آسیب های ارزشی و اخلاقی به عنوان یکی از پارامترهای اثر گذار در روند پیشرفت تحصیلی دانش آموزان به خصوص در آستانه دوره جوانی مقوله ی ارزشمندی است که به علت بعضی از خطوط قرمز تاکنون به طور شایسته مورد بحث و تحلیل قرار نگرفته است. زیرا پذیرفتن وجود روابط پنهانی و آشکار بین دختران و پسران قبل از سنین ازدواج از طرف اولیا و مربیان و همه ی دست اندرکاران تعلیم و تربیت امری دشوار است. امید است یافته های پژوهش های انجام شده درباره این معضل، انگیزه ای باشد برای آگاه سازی خانواده ها، دست اندرکاران تعلیم و تربیت و دولت مردان، برای مرتفع کردن مشکل و همچنین هدایت و حمایت نسل جوان که خود بوضوح آسیب روانی عاطفی، اجتماعی، تحصیلی و ... ناشی از این موضوع را از نزدیک لمس میکنند.

قبل از پرداختن به راهبردها و پیشنهادهایی برای اتخاذ تدابیر مناسب به منظور مقابله ی صحیح با این واقعیت اجتماعی، از طریق نهادهای تربیتی، رسانه های جمعی، والدین، مشاوران مدارس و ... به نظر میرسد رعایت موارد ذیل نیز موجبات کاهش شکست تحصیلی دانش آموزان را فراهم کند.

۱- آشنایی دانش آموزان با فرایندهای شناختی از جمله با ماهیت و چگونگی یادگیری.
۲- پرورش فراشناخت دانش آموزان برای کسب مهارت در کارکرد یادداشت برداری و تلخیص مطالب و کارکرد تهیه سوال.

۳- پرورش فراحافظه برای به کارگیری روش های عملی فراحافظه، از جمله استفاده از انواع یادیارها.

۴- تشویق و حمایت دبیران در زمینه ی به کارگیری روشهای جدید و اثر بخش در تدریس.

۵- سازمان دهی مطالعه ی شخصی به منظور بهبود حافظه و به کارگیری شیوه های موثر مطالعه، از جمله روش $PQ4R$.

۶- تشویق دانش آموزان برای به کارگیری فنون و شگردهای موثر مطالعه.

۷- شناساندن عوامل آسیب زای مطالعه به دانش آموزان.

۸- پرورش مهارت دانش آموزان در تنظیم برنامه ای شخصی برای مطالعه.

۹- آشنا کردن دانش آموزان با فنون امتحان دادن.

۱۰- تشویق دانش آموزان به کسب تجارب موفق تحصیلی، برای تکرار این رفتار و بالا بردن اعتماد به نفس و عزت در آنها. (این عمل منجر به تشکیل تصویر شایسته ای در ذهن دانش آموز از خود می شود.)

۱۱- آموزش چشم پوشی از لذایذ آنی؛ یعنی به تعویق انداختن ارضای نیازها، برای رسیدن به موقعیتی مناسب برای بهره وری کامل تر در آینده به دانش آموزان. (به طور مثال چشم پوشی از تماشای یک فیلم یا شرکت در یک میهمانی به خاطر مطالعه و یادگیری معنادار و موثر).

۱۲- دادن اطلاعات و آگاهی به دانش آموزان در ارتباط با تبعات آسیب زای گرایش های عاطفی و تعلقات خاطر به

جنس مخالف. (آگاه ساختن دانش آموزان، یکی از عوامل اصلی تاثیر گذار بر روند یادگیری و پیشرفت تحصیلی نوجوانان است).

۱۳- بررسی پارامتر اضطراب عمومی، و تبع آن اضطراب امتحان در دانش آموزان. (زیرا داشتن افکار و تصورات اضطرابی یا احساسات و واکنش های اضطرابی، عملکرد تحصیلی دانش آموزان را تحت تاثیر قرار میدهد).

پیشنهاد هایی به والدین به منظور جلوگیری از بروز پیامدهای ناگوار در زندگی نوجوان:

۱- با توجه به نتایج تحقیقات و مطالعات انجام شده، چون وابستگی عاطفی به جنس مخالف و برقراری رابطه پنهانی با آنها، تمرکز و بهره گیری بهینه از وقت و انرژی و دقت و توجه دانش آموز را تحت الشعاع قرار میدهد و موجبات شکست تحصیلی وی را فراهم میسازد، لازم است والدین در این مسیر نهایت عنایت و نظارت سازنده را داشته باشند.

۲- از آنجا که تغییرات بلوغ برای نوجوانان مبهم و مرموز است و هرگونه برداشت غلط یا اطلاع رسانی ناقص و نادرست برای آنان زیان بار خواهد بود، دادن آگاهی و شناخت و اطلاعات برگرفته از مبانی علمی برای ممانعت از توسل نوجوانان به منابع غیر موثق و انحرافی امری ضروری و لازمه رشد سالم شخصیت آنان است.

۳- وظیفه مسلم اولیا و مربیان است که مهارت به تعویق انداختن ارضای نیازها (چشم پوشی از لذایذ آنی)، به منظور رسیدن به موقعیتی مناسب برای بهره وری کاملتر در آینده را به نوجوانان که از نظر تجربه محدود و از نظر عاطفی نارس است، بیاموزند.

۴- لازم است اولیا، مهارت امتناع (مهارت نه گفتن) یعنی رد کردن محترمانه ی پیشنهاد یک دوستی و دعوت را به نوجوانان خود بیاموزند.

۵- شایسته است که اولیای بزرگوار با شناخت و تامین نیازهای عاطفی نوجوانان، خود را به دنیای آنها نزدیک کنند.

۶- بزرگ منشی و گذشت توأم با شناخت دهی از جانب والدین، فرصت مناسبی برای بازنگری نوجوانان در رفتارهای ناسنجیده و جبران اشتباهات گذشته است.

۷- کنترل غیر مستقیم و سازنده بر رفت و آمدها و مکالمات تلفنی خارج از چهار چوب اخلاقی نوجوانان، امری ضروری است.

پیشنهادهایی به مشاوران مدارس:

۱- تقویت بضاعت علمی و مهارتهای کلامی برای تاثیرگذاری بر تشکیل رفتارهای مطلوب دانش آموزان، لازمه امر راهنمایی و مشاوره است.

۲- شایسته است مشاوران مدارس، توجه به کارآمدی و توانمندی در تشخیص و شناسایی دانش آموزان و برقراری ارتباط عاطفی با آنها امری بسیار مهم و اثر بخش در موفقیت شغلی خود تلقی کنند.

۳- تشویق و حمایت مشاوران مدارس به جدیت و دلسوزی، برای و هدایت این دانش آموزان اثر بخش خواهد بود.

۴- جلب اعتماد دانش آموزان، توسط مشاوران مدارس و رازداری و همدلی و عذرپذیری بزرگوارانه، به منظور فراهم کردن فرصت هایی برای جبران اشتباهات گذشته و وسعت بخشیدن به دامنه مراجعات دانش آموزان به اتاق مشاوره می بایست همواره مد نظر مشاوران و مربیان مراکز آموزشی قرار گیرد.

۵- شایسته و بایسته آن است که دختران نوجوان به ارج گذاری بر کرامت و شرافت خود و برخورداری از موضع نظارت درونی، ترغیب و تشویق شوند.

۶- شایسته است دانش آموزان مشکل دار، برای جبران عقب افتادگی های درسی، با بهره گیری از راهنمایی های دبیران و مشاور مدرسه، به منظور کسب تجارب موفق تحصیلی و بالا رفتن اعتماد به نفس و عزت نفس خود، تشویق و هدایت شوند.

۷- هدایت نوجوانان به برداشت درست از نتایج تحقیقات و مطالعات مرتبط با این موضوع، میتواند هدفمندی آنها

را برای غنیمت شمردن فرصت های طلایی زندگی و تضمین آینده تحصیلی – شغلی درخشان به ارمغان آورد.

پیشنهادهایی به کارگزاران، برنامه ریزان، نهاد های تربیتی و رسانه های جمعی:

۱- در وضعیت کنونی، ضرورت و لزوم تحکیم بنیان اعتقادی و اخلاقی خانواده ها و نوجوانان از طریق آموزش های رسمی احساس میگردد.

۲- برنامه های رسانه های برون مرزی و فیلم های نامناسب ویدیویی، جز قوی ترین عوامل موثر در گرایش و ارتباط دختران و پسران بوده است. رسانه های داخلی با ارائه ی برنامه های پر محتوا، ضمن غنی تر ساختن اوقات فراغت نوجوانان و جوانان میتوانند به تقویت اعتقادات دینی و ارزشهای ملی بپردازند. بدیهی است آموزش و پرورش نیز میتواند به غنی تر اوقات فراغت دانش آموزان بپردازد.

۳- شایسته است از جاذبه ی محبت برای جلب دلهای نوجوانان و به دست گرفتن دست آنها استفاده شود، زیرا جدایی دست ایشان از دامن بزرگترهاف زمینه ساز فجایع و بحران هاست.

۴- با توجه به نقش عمده ی خانواده در ارایه الگوهای مناسب تربیتی، پیشنهاد میگردد که کلاسهای آموزشی خانواده برای اولیا در تمامی سطوح به صورت کاملاً منظم تدوین و برگزار گردد.

۵- آموزش اخلاق جنسی در سطح مدارس راهنمایی و متوسطه با توجه کامل به ارزشهای اعتقادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ضروری به نظر میرسد.

۶- به نظر میرسد اختصاص مطالعات و تحقیقات ویژه در مسیر تبیین گرایش ها و روابط بین پسران و دختران نوجوان در سنین قبل از ازدواج امری ضروری است.